

دولت موقت مهندس مهدی بازرگان

در این درس با مهم‌ترین رویدادهای مربوط به استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران مانند برگزاری همه‌پرسی تعیین نظام سیاسی، تأسیس نهادهای انقلابی، تدوین و تصویب قانون اساسی و همچنین توطئه‌های آمریکا و ضدانقلاب داخلی آشنا می‌شوید.

مهندس مهدی بازرگان که در پانزدهم بهمن ماه ۱۳۵۷ به پیشنهاد شورای انقلاب، از طرف امام خمینی به نخست‌وزیری منصوب شده بود، با استقرار در ساختمان نخست‌وزیری، کار خود را آغاز کرد. امام خمینی در حکم خود، علاوه بر شرط «در نظر نگرفتن روابط حزبی و گروهی»، چهار وظیفه برای دولت موقت تعیین کرد:

۱. اداره امور مملکت
۲. اجرای رفراندوم درباره تعیین نظام سیاسی کشور

برگی از تاریخ

مهندس مهدی بازرگان

(۱۲۸۷-۱۳۷۳ ش)



مهندس بازرگان در سال ۱۲۸۷ ش در تبریز متولد شد و پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در تهران، برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و پس از گذراندن تحصیلات خود در رشته مهندسی ترمودینامیک و بازگشت به ایران، به تدریس در دانشگاه تهران مشغول شد. وی فعالیت سیاسی خود را

در جبهه ملی آغاز کرد. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از جمله مؤسسان نهضت مقاومت ملی بود و به همین علت در سال ۱۳۳۴ دستگیر و زندانی شد. در سال ۱۳۴۰ به همراه دکتر یدالله سبحانی و آیت‌الله طالقانی نهضت آزادی ایران را تأسیس کردند و در دی ماه ۱۳۴۱ نیز همراه با دیگر سران نهضت آزادی دستگیر و تا سال ۱۳۴۶ در زندان به سر برد. وی اندیشه‌های خود را در کتاب‌های متعدد به رشته تحریر درآورده است. مهندس بازرگان از پایه‌گذاران روشنفکری دینی در ایران است. وی در روشن نگه داشتن مشعل مبارزه علیه رژیم پهلوی تلاش ارزنده‌ای کرد. مهندس بازرگان در زمان اوج انقلاب اسلامی از سوی امام خمینی به عنوان نخست‌وزیر دولت موقت تعیین شد و در سال ۱۳۷۳ به دیار باقی شتافت.

۳. تشکیل مجلس منتخبان مردم برای تدوین و تصویب قانون اساسی

۴. برگزاری انتخابات مجلس نمایندگان ملت، طبق قانون اساسی جدید

امام خمینی ضمن اعلام حمایت جدی از مهندس بازرگان، دولت وی را دولتی «شرعی» معرفی کرد و از مردم خواست که از آن حمایت کنند.^۱ هم‌زمان به فرمان امام خمینی، تمامی اعتصاب‌ها شکسته شد و همه به سر کار خود بازگشتند و عصری جدید از کار و تلاش و سازندگی آغاز شد. مهندس بازرگان در بیست و پنجم بهمن ۱۳۵۷ کابینه خود را که تقریباً همگی از اعضا یا طرفداران نهضت آزادی و جبهه ملی بودند، معرفی کرد.

برگزاری همه‌پرسی تعیین نظام سیاسی ایران

با آنکه مردم ایران در «تظاهرات» چندمیلیونی خود، با شعارهای «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» مدل نظام سیاسی آینده کشور را تعیین کرده بودند، امام خمینی مصمم بود که با انجام یک همه‌پرسی ملی، در همان روزهای اول انقلاب، نوع حکومت جدید ایران را مشخص و تثبیت کند. با برگزاری همه‌پرسی اکثریت ۹۸/۲٪ کلیه کسانی که حق رأی داشتند، به «جمهوری اسلامی» رأی دادند.^۲

تدوین و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

پس از تعیین جمهوری اسلامی به عنوان نظام سیاسی کشور در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸، امام خمینی، طی فرمانی، از دولت موقت خواستار برگزاری انتخابات برای تشکیل «مجلس خبرگان»، و تدوین و

۱. کوثر: مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام خمینی، ج ۳، ص ۲۱۳.

۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل اول.

تصویب قانون اساسی شد. این مجلس با انتخاب هفتاد و دو نماینده، توسط مردم، در مردادماه ۱۳۵۸ تشکیل شد.

مجلس خبرگان، قانون‌های اساسی کشورهای مختلف غربی و اسلامی را بررسی کرد و با توجه به قانون اساسی سابق کشور و مباحثات فقهی و اسلامی، همچنین نظریات نمایندگان گروه‌های مختلف سیاسی و فکری، تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را آغاز کرد.^۱

با جدی شدن تصویب اصول مربوط به «ولایت فقیه»، مخالفت‌ها با مجلس خبرگان از سوی مخالفان، بیشتر شد. اما امام خمینی، مردم و نیروهای انقلابی، به دفاع از اصل مذکور پرداختند و آن را «ضد دیکتاتوری» و «مخالف استبداد» دانستند.^۲

بر اساس قانون اساسی جدید، در اسفند ۱۳۵۸ شورای نگهبان^۳ تشکیل شد تا علاوه بر تشخیص عدم مغایرت و تعارض مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام و قانون اساسی، بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی نظارت و از آرای مردم پاسداری کند.^۴

تأسیس نهادهای انقلابی

بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی، امام خمینی با درایت و تیزبینی کامل فرمان تشکیل نهادهای انقلابی را یکی پس از دیگری صادر کردند. به همین منظور کمیته انقلاب اسلامی با هدف برقراری نظم و امنیت شکل گرفت. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج مستضعفان برای دفاع از کشور و ارزش‌های انقلاب اسلامی به وجود آمدند. به منظور سازندگی و رفع محرومیت از روستاها جهادسازندگی تأسیس شد. همچنین کمیته امداد امام خمینی به قصد دستگیری از محرومان و نهضت سوادآموزی برای کاهش نرخ بالای بی‌سوادی در ایران، فعالیت خود را آغاز کردند.

اوضاع داخلی کشور، در زمان دولت موقت

هرچند دولت موقت برآمده از شرایط انقلاب کشور ایران بود اما اعضای آن قادر به بهره‌برداری

۱. در بیست و چهارم آبان ماه ۱۳۵۸ مجلس خبرگان، قانون اساسی را از تصویب نهایی گذراند. این قانون، در یازدهم و دوازدهم آذرماه به همه‌پرسی گذاشته شد، و با ۹۹/۵ درصد آرای موافق شرکت‌کنندگان، به تصویب رسید.

۲. کوثر: مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام خمینی، ج ۱، ص ۷۶۷.

۳. شورای نگهبان متشکل از دوازده عضو است. شش نفر فقیه عادل و آگاه به مقتضیات زمان که توسط رهبر انقلاب منصوب می‌شوند و شش نفر حقوقدان که با معرفی رئیس قوه قضائیه و انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی به عضویت آن شورا در می‌آیند.

۴. قانون اساسی وظایف و مسئولیت‌های مهم دیگری از جمله تفسیر قانون اساسی را بر عهده شورای نگهبان نهاده است.

از این شرایط نبودند. بی ارادگی و ناتوانی در تبعیت از روش انقلابی امام خمینی، موجب شد به تدریج بین دولت موقت و امام و یاران امام فاصله ایجاد شود.^۱ یکی از اعضای برجسته دولت موقت، اجرای احکام اسلام را غیرمفید اعلام کرد.

توطئه‌های آمریکا و گروهک‌های تروریستی ضد انقلاب

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آمریکا یکی از پایگاه‌های امن خود را در خاورمیانه که دهه هزار نفر از مستشارانش در آن مستقر بودند و از آن به نام «جزیره ثبات» نام برده می‌شد، از دست داد. آمریکا پیروزی انقلاب ایران را بزرگ‌ترین خطر برای خود تلقی می‌کرد و به توطئه‌چینی برای نابودی آن کمر بست. تضعیف، حذف و ترور اندیشمندان و متفکران دینی، یاران امام که از ارکان اصلی انقلاب اسلامی، تلقی می‌شدند، ایجاد گروه‌های سیاسی مخالف، حمایت از ساواکی‌ها، ایجاد آشوب در استان‌ها، حمله نظامی به طبرستان، تحریم و محاصره اقتصادی، جنگ تبلیغاتی و شایعه‌پراکنی علیه انقلاب اسلامی، طراحی کودتا و جنگ تحمیلی هشت ساله، رئوس اصلی توطئه‌های آمریکا علیه ملت به پاخاسته ایران بود.

بهترین ابزار برای آمریکا، گروه‌های سیاسی مختلفی بودند که در سایه قیام مردم و رهبری امام خمینی فرصت خودنمایی یافته بودند. آنان در حرکت‌هایشان چنان راه افراط در پیش گرفتند که خود را وارثان اصلی انقلاب قلمداد کردند. این گروه‌ها، دولت موقت و شورای انقلاب را که به دستور امام خمینی تشکیل شده بود، به رسمیت نمی‌شناختند. در مقابل، با رواج شایعات دروغین، جامعه را به ورطه تردیدهای بزرگ و فتنه‌های ویرانگر می‌کشاندند.

بیشتر بدانید

گروه‌های ضدانقلاب با در پیش گرفتن خط‌مشی‌های مختلف، از جمله، با انتشار نشریه‌ها، بیانیه‌ها، پوسترها و شب‌نامه‌های گوناگون به نفی و رد دستاوردهای انقلاب اسلامی و سران آن پرداختند. همچنین، با تشکیل دادن ستادها و کانون‌های عملیاتی و خانه‌های تیمی در دانشگاه‌ها، مدارس و حتی میدان‌ها و خیابان‌ها، به جذب جوانانی که با پیروزی انقلاب اسلامی شور سیاسی و طبع احساسی آنان به اوج خود رسیده بود، پرداختند و کشور را با یک بحران جدی مواجه ساختند.^۲

۱. برزین، زندگی‌نامه سیاسی بازرگان، صص ۲۹۴-۲۹۹.

۲. ن. ک: رضوی، هاشمی و انقلاب (تاریخ سیاسی ایران از انقلاب تا جنگ)، صص ۱۵۹-۱۶۱.

این گروه‌ها، خواهان انجام سه تغییر عمده در جریان انقلاب بودند: تغییر در ترکیب شورای انقلاب، مسلح کردن گروهک‌ها و انحلال ارتش.^۱ برآورده شدن این سه خواسته، زمینه را برای تسلط این گروهک‌ها بر کشور، فراهم می‌ساخت؛ زیرا از طریق نفوذ در شورای انقلاب که تصمیم‌های اساسی را در آن شرایط حساس و بحران‌زده می‌گرفت، آنها می‌توانستند به عالی‌ترین نهاد انقلاب دست پیدا کنند و با دریافت سلاح و انحلال ارتش نیز، به هدف‌های خطرناک سیاسی خود دست می‌یافتند. اصلی‌ترین این گروهک‌ها حزب خلق مسلمان، در آذربایجان شرقی، («حزب دمکرات کردستان»، «حزب خلق عرب» در خوزستان و تشکل‌های مشابه در بلوچستان و ترکمن صحرا بودند.^۲

توطئه حزب خلق مسلمان در آذربایجان

حزب خلق مسلمان در تابستان ۱۳۵۸، هم‌زمان با انتخابات مجلس خبرگان حمله به مراکز نظامی رسمی کشور را آغاز کرد.^۳ سردمداران حزب خلق مسلمان ابتدا تهدید کردند که انتخابات را تحریم خواهند کرد. پس از انجام انتخابات نیز به نتیجه آن اعتراض کردند.

چون این گروهک تلاش‌های علمای بزرگ تبریز از جمله شهید آیت‌الله مدنی را برای حفظ آرامش نادیده گرفت و به آشوب و اغتشاش ادامه داد^۴، امام خمینی طی یک سخنرانی فعالیت این حزب را قیام بر ضد اسلام و حکومت اسلامی برشمردند.^۵ به دنبال سخنرانی امام و افشا شدن اسنادی در خصوص رابطه سخنگوی حزب خلق مسلمان با آمریکا^۶، مردم مسلمان آذربایجان با حضور حماسی در صحنه، کار این گروهک را یکسره کردند و به فعالیت‌های تفرقه افکنانه و فتنه جویانه آن پایان دادند.

توطئه دشمن در کردستان

بارزترین نمونه آشوب‌های منطقه‌ای که توسط عوامل استکبار، به منظور تجزیه بخشی از میهن اسلامی طراحی شد، غائله کردستان بود. حزب دمکرات کردستان، مهم‌ترین جریان سیاسی آغازگر

۱. در این زمان شیرازه ارتش از هم پاشیده بود و گروهک‌ها بر انحلال کامل آن اصرار می‌کردند تا به راحتی بر اوضاع مسلط شوند و با تشکیل دادن گروه‌های شبه نظامی سرنوشت جامعه را به دست بگیرند ولی امام خمینی بر بقای ارتش اصرار می‌کردند. ن. ک: رضوی، همان، ص ۱۶۳.

۲. همان، صص ۱۶۹-۱۷۶، استمیل، درون/انقلاب/یران، صص ۲۸۹ و ۲۹۰.

۳. ن. ک: کیهان، ۱۳۵۸/۵/۳.

۴. همان، ۱۳۵۸/۹/۱۵.

۵. همان، ۱۳۵۸/۹/۱۹.

۶. رضوی، همان، ص ۳۰۶.

این بحران بود که ریشه آن، به جریان‌های مارکسیستی دهه ۱۳۲۰ کشور می‌رسید. با پیروزی انقلاب اسلامی، این حزب نیز مجدداً فعالیت سیاسی خود را آغاز کرد و کمونیست‌های داخل و خارج، از آن پشتیبانی کردند. به فاصله‌ای اندک، حزب کومله نیز اعلام موجودیت کرد. به موازات این حزب، حزب‌ها و گروه‌های دیگری نیز در کردستان شکل گرفت که ابتدا خواهان «خودمختاری» و سپس «استقلال» (تجزیه) کردستان شدند.

بیشتر بدانید

اقوام ایرانی

ایران کشوری با قومیت‌های متعدّد است. در میان اقوام ایرانی اختلاف و تفاوت وجود دارد ولی به‌طور طبیعی کشمکش و نزاع قومی مشاهده نمی‌شود. دو عامل مهم در منازعات قومی ایران نقش دارند یکی سیاست‌های غلط دولت‌ها است که به اختلافات قومی و نزاع‌های داخلی دامن زده است و مهم‌تر از آن، مداخلات بیگانگان است. سیاست کشورهای استعماری در طول تاریخ معاصر همواره ایجاب کرده است که هرگاه منافع آنها در راستای تضعیف قدرت حکومت مرکزی ایران بوده است، قدرت‌های محلی و اقوام ایرانی را بر علیه حکومت مرکزی تقویت کرده و هرگاه منافع آنها در راستای تقویت حکومت مرکزی بوده به تضعیف اقوام ایرانی روی آورده است. بیگانگان بیشتر از ابزار قومیت‌گرایی برای ایجاد فشار بر روی دولت مرکزی و یا تحرکات جدایی‌طلبانه برای از میان بردن وحدت و یکپارچگی ایران و سلطه‌گری بهره برده‌اند. حوادثی چون مسئله جدایی هرات از ایران در زمان ناصرالدین شاه، قوم‌ستیزی و تضعیف ایلات و عشایر در دوران رضاشاه، حوادث آذربایجان و کردستان در سال ۱۳۲۴ و غائله کردستان، ترکمن صحرا، بلوچستان، خوزستان و آذربایجان پس از پیروزی انقلاب اسلامی نمونه‌هایی از مداخلات مستقیم و غیرمستقیم کشورهای سلطه‌گر به‌شمار می‌روند. با وجود این‌ها، اقوام ایرانی در حوادث مهم ملی مانند انقلاب مشروطیت، نهضت ملی شدن نفت، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس مشارکت گسترده‌ای داشته‌اند و همواره در دفاع کیان ملی در برابر بیگانگان اتحاد و همبستگی داشته‌اند. عامل به هم پیوستگی و هم‌گرایی هویت‌های قومی و ملی در ایران که همچون ریسمانی متعدّد این سرزمین را در طول تاریخ به هم پیوند داده است، دین اسلام، زبان پارسی^۱، سرزمین و تاریخ مشترک و دیرین است. از این‌رو اقوام ایرانی هویت خود را در پرتو هویت ایرانی - اسلامی می‌یابند و آن را تقویت‌کننده هویت ملی می‌دانند. تجربه تاریخی همچنین بیانگر این واقعیت است که رمز بقا و یکپارچگی ملی در کشورهای چند قومی در رعایت عدالت و حقوق مساوی و احترام به همه اقوام است. اصل نوزدهم و بیستم قانون اساسی

۱. زبان پارسی زبان یک قوم نیست. بلکه زبانی فراگیر و ملی است که سیری تکوینی یافته. تاریخ و فرهنگی که با این زبان شکل گرفته است به همه ایرانیان تعلق دارد. بیشتر اقوام ایرانی علاوه بر حفظ زبان مادری خود، برای ارتباط با سایر هموطنان خود با لهجه و یا گویش‌های متنوع به زبان پارسی سخن می‌گویند.

جمهوری اسلامی تأکید دارد که مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و زبان سبب امتیاز نخواهد شد. همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.^۱

از سوی دیگر، عوامل کشورهای غربی (در رأس همه آمریکا) و بلوک شرق (در رأس آنها شوروی سابق) و عامل‌های آنان در منطقه مانند رژیم بعث عراق، با ارسال پول و اسلحه، به این غائله‌ها دامن می‌زدند.^۲ بنابراین، مسئله، تنها به چند گروه داخلی مربوط نمی‌شد. بلکه هدف، توطئه‌ای بود که از آذربایجان در شمال غربی تا خوزستان و حتی مناطق مرکزی و مرزهای شرقی را در بر می‌گرفت. همزمان، دولت عراق نیز بر تحرک‌های خود در منطقه می‌افزود و به این موضوع دامن می‌زد.^۳ هم‌جواری کردستان با عراق، برای غائله‌آفرینان این امکان را فراهم می‌ساخت که به هنگام احساس خطر، به داخل خاک آن کشور عقب‌نشینی کنند و تحت حمایت رژیم بعثی عراق قرار گیرند.^۴

در کنار این عوامل، از هم‌پائیدگی ارتش، هم‌زمان با سقوط سلسله پهلوی، و نوپایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سبب شده بود که انقلاب اسلامی، نیروهای دفاعی منظمی نداشته باشد. در نتیجه در کردستان، گروهک‌ها، با اشغال مراکز نظامی، پادگان‌ها، مقر لشکرها و واحدهای نظامی، امکانات و اسلحه لازم برای غائله‌آفرینی را به دست آوردند.^۵ حتی اکثریت مردم و وطن‌خواه کردستان نیز که زیر بار توطئه‌های آنها نمی‌رفتند، از خشونت آنها در امان نبودند و به جرم مخالفت با تجزیه‌طلبی و حفظ تمامیت ارضی ایران به شهادت رسیدند. مردم کردستان ایران نه تنها همواره مدافع دستاوردهای انقلاب اسلامی بوده و با عوامل ضدانقلاب به سختی مبارزه کرده‌اند، بلکه در تهاجم بعثی‌ها به ایران، دفاع جانانه‌ای از وطن خود کردند. در این زمینه، حتی می‌توان به تعلق خاطر کردهای سایر کشورهای منطقه به فرهنگ ایران و اسلام، و ایستادگی کردهای عراقی در برابر صدام حسین متجاوز به ایران اشاره کرد. کردها در این راه، از سوی رژیم بعثی، هم در عراق و هم در ایران، مورد وحشیانه‌ترین جنایات جنگی قرار گرفتند. بمباران شیمیایی حلبچه در عراق و سردهشت در ایران، از جمله جنایات رژیم بعث در مورد

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، صص ۶۵ و ۶۶.

۲. ن. ک: مهاجری، انقلاب اسلامی، راه آینده ملت‌ها، صص ۲۲۰ و ۲۲۱.

۳. مهاجری، ص ۲۲۰.

۴. ن. ک: جلائی‌پور، کردستان، علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی.

۵. رضوی، همان، ص ۲۸۹.

کردهای ایرانی و عراقی است.

از آنجا که اکثریت قریب به اتفاق مردم و علمای کردستان، اعم از شیعه و سنی، حامی انقلاب اسلامی و حافظ تمامیت ارضی ایران بودند، فتنه‌های تجزیه‌طلبانه‌ای که ریشه در خارج از کشور داشت، نتوانست راه به جایی ببرد.

توطئه دشمن در ترکمن صحرا

بلوای ترکمن صحرا، از فروردین ۱۳۵۸ آغاز شد و تا اواخر زمستان همان سال ادامه یافت. این آشوب، با سوء استفاده آشوبگران از اختلاف‌ها و تفاوت‌های مذهبی و قومی آغاز شد. اختلاف ناشی از عملکرد حکومت پهلوی و سیاست‌های سوء آن در منطقه بر سر مالکیت زمین‌های کشاورزی نیز، از دیگر عوامل مورد بهره‌برداری این گروه‌ها بود.^۱

این غائله، شرایط و وضعیتی عجیب در منطقه به وجود آورد. چریک‌های فدایی خلق که یک سازمان کمونیستی طرفدار شوروی بود، با تشکیل «ستاد خلق ترکمن»، دست به مصادره خودسرانه زمین‌ها و اموال در این منطقه زدند. این توطئه نیز با هوشمندی مردم منطقه و حضور نیروهای انقلابی خنثی شد.

توطئه گروهک‌ها در خوزستان و سیستان و بلوچستان

هم‌زمان، گروهکی دیگر به نام «خلق عرب»، در خوزستان، با حمایت برخی کشورهای عربی؛ به خصوص عراق، با نیروهای انقلابی درگیر، و به جنگ برخاسته بود. در سیستان و بلوچستان نیز گروهکی به نام «خلق بلوچ» حرکت‌های تجزیه‌طلبانه‌ای را آغاز کرده بود.

وجوه مشترک عمده این گروه‌ها در چند عامل خلاصه می‌شد:

۱. اغلب ماهیت چپ و مارکسیستی داشتند و یا به ظاهر چنان می‌نمودند.
۲. هرکدام به یک یا چند قدرت خارجی منطقه‌ای یا بین‌المللی وابسته بودند.
۳. از تفاوت‌های مذهبی و قومی در جهت تفرقه‌افکنی و فتنه‌انگیزی سوء استفاده

می‌کردند.^۲

۱. ن. ک: محمّدی، انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و پیامدها، صص ۱۵۷-۱۶۷؛ بازرگان، مسائل و مشکلات اولین سال انقلاب،

ص ۴.

۲. ن. ک: کدی، ریشه‌های انقلاب اسلامی، صص ۳۷۹-۳۸۲؛ بازرگان، انقلاب ایران در دو حرکت، صص ۲۱۴-۲۲۴.

استعفای دولت موقت انقلاب

مهندس بازرگان به علت ملاقات محرمانه^۱ با برژینسکی مشاور امنیت ملی کارتر که از آمرین مستقیم کشتار مردم ایران در زمان شاه بود، مورد اعتراض شدید گروه‌های سیاسی و انقلابیون واقع شده بود.^۲ از سوی دیگر ورود شاه به آمریکا و نگرانی‌های فزاینده از مداخلات سفارت آمریکا در تهران موجب تسخیر سفارت آمریکا، توسط گروهی از دانشجویان و به‌گروگان گرفتن اعضای سفارت در روز سیزدهم آبان ماه ۱۳۵۸ شد. مجموع این عوامل باعث شد بازرگان در چهاردهم آبان ۱۳۵۸ استعفا دهد. امام خمینی، نیز پس از قبول استعفای وی اداره کشور را به «شورای انقلاب» سپرد.^۳

پرسش‌های نمونه

۱. امام خمینی چه وظایفی را به دولت موقت محول کرد؟
۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چگونه تدوین و تصویب شد؟
۳. مهم‌ترین دسیسه‌ها و توطئه‌های آمریکا را بر ضد انقلاب اسلامی برشمارید.
۴. گروه‌های ضدانقلاب خواستار چه تغییراتی در انقلاب اسلامی بودند؟

اندیشه و جست و جو

— در مورد همکاری‌های داوطلبانه مردم با حکومت نوپای جمهوری اسلامی مطلبی تهیه کنید (گفت‌وگو با بزرگ‌ترها، یکی از راه‌های انجام این تحقیق است).

۱. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و سرنگونی رژیم شاه، مهندس بازرگان در مصاحبه با نیویورک تایمز چنین می‌گوید: «دولت ایران مشتاق است روابط خوب خود را با آمریکا از سرگیرد.» (روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۵۷/۱۱/۳) و در جایی دیگر، علی‌رغم سابقه کودتای ۲۸ مرداد و روابط خسارت‌بار آمریکا و ایران، مهندس بازرگان در مصاحبه با خبرنگار نیویورک چنین گفت: «ما روابط دوستانه‌ای با ایالات متحده داشته‌ایم و میل داریم این روابط را با ایالات متحده و تمامی کشورهای جهان حفظ کنیم.» (همان، روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۵۷/۱۲/۳).
تحلیلی که در اسناد لانه جاسوسی آمریکا نیز درج شده است، نشانگر تفاوت دیدگاه مهندس بازرگان و امام خمینی در مسئله رابطه با آمریکا است: «دولت موقت ایران و [امام] خمینی [ره] درباره ارزش مناسبات با آمریکا اختلاف نظر دارند. ماهیت ضدآمریکایی نظریات [امام خمینی] [ره] باعث شده است که فعالیت‌های ضدآمریکایی افزایش یابد، درحالی که دولت موقت ایران اهمیت مناسبات حسنه را با ما [آمریکایی‌ها] به رسمیت شناخته است، آیت‌الله خمینی و اطرافیان او چنین اهمیتی را به رسمیت نمی‌شناسند.» (سناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۱۲).

۲. کدی، همان، ص ۴۴۲؛ سمیعی، طلوع و غروب دولت موقت، صص ۲۳۲، ۲۳۸-۲۴۰.

۳. ن. ک: سمیعی، طلوع و غروب دولت موقت، ص ۲۴۰.

اولین دوره ریاست جمهوری

در این درس با حوادث سیاسی داخلی، به ویژه آرایش جناح‌های سیاسی و توطئه‌های استکبار جهانی در جریان انتخاب اولین رئیس جمهور، آشنا می‌شوید.

پس از استعفای مهندس بازرگان، به دستور امام خمینی، شورای انقلاب جریان امور مملکت را به دست گرفت و زمینه برای انتخابات ریاست جمهوری فراهم آمد. در اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری (بهمن ۱۳۵۸) ابوالحسن بنی‌صدر با بیش از ده میلیون و پانصد هزار رأی، به عنوان اولین رئیس جمهور ایران انتخاب شد. او در نیمهٔ بهمن ماه، در بیمارستان قلب (که امام خمینی در آنجا بستری بودند)، در حضور ایشان و اعضای شورای انقلاب و مقام‌های مملکتی، سوگند وفاداری به قانون اساسی یاد کرد و حکم ریاست جمهوری وی، از سوی امام تنفیذ شد. در اواخر بهمن ماه همان سال نیز، به سبب شرایط خاص کشور و وجود آشوب در استان‌های گوناگون، امام خمینی با اعلام اینکه در این شرایط ویژه بیش از هر مرحله به تمرکز قوا نیاز است، مقام نیابت فرماندهی کل قوا را به بنی‌صدر واگذار کرد.



ابوالحسن بنی‌صدر

ریاست جمهوری بنی‌صدر و آرایش جدید گروه‌های سیاسی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برخی از بزرگان و پیش‌کسوتان انقلاب با پیشنهاد و مدیریت شهید آیت‌الله دکتر بهشتی، برای سازماندهی تشکیلاتی و همبستگی بیشتر ملی، «حزب جمهوری اسلامی» را تأسیس کردند. این اقدام، تأثیر اساسی بر آیندهٔ انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران داشت. از آن پس، اعضای این حزب، سرپرستی بعضی از حیاتی‌ترین نهادهای کشور را به دست گرفتند. به همین سبب حزب جمهوری اسلامی، از

همان ابتدا، مورد عناد و مخالفت نیروهای معارض نظام و انقلاب اسلامی قرار گرفت. بنی صدر که روزنامه «انقلاب اسلامی» را منتشر می کرد و جمعی را در اطراف خود گرد آورده بود، از همان آغاز، به ضدیت آشکار با این حزب پرداخت.^۱

برگی از تاریخ

آیت الله شهید دکتر سید محمد حسینی بهشتی (۱۳۰۷-۱۳۶۰ ش)



شهید بهشتی در آبان ماه ۱۳۰۷ در اصفهان متولد شد. در دوره متوسطه به تحصیل در حوزه نیز مشغول شد و از استادانی نظیر آیت الله بروجردی، آیت الله محقق داماد، امام خمینی و علامه طباطبایی بهره گرفت. در سال ۱۳۳۰ موفق به دریافت لیسانس الهیات شد. وی در مبارزات ملی شدن صنعت نفت شرکت فعال داشت و پس از آن تحصیلات دانشگاهی را تا دریافت دکتری فلسفه ادامه داد. از جمله فعالیت های فرهنگی شهید بهشتی شرکت در جلسه های سخنرانی به نام «گفتار ماه» در تهران بود.

وی در سال ۱۳۴۳ با هدف ارشاد جوانان و مقابله با

گرایش های مادی گرایانه به هامبورگ رفت و پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۴۹، با کمک عده ای دیگر از علمای بزرگ و پیشتاز در مبارزه، «جامعه روحانیت مبارز تهران» را تشکیل دادند. شهید بهشتی از اعضای شورای انقلاب و یکی از بنیان گذاران حزب «جمهوری اسلامی» بود و در مجلس خبرگان قانون اساسی به عنوان نایب رئیس، مؤثرترین نقش را در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران داشت. آخرین سمت حکومتی ایشان ریاست قوه قضاییه بود که در این سمت نقش اساسی در تطبیق قوانین قضایی کشور با قوانین اسلامی و شکل گیری قضای اسلامی داشت. وی در هفتم تیرماه ۱۳۶۰ در انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید.

پس از انتخاب شدن بنی صدر به ریاست جمهوری، این مخالفت وارد مرحله جدیدی شد؛ زیرا در اسفند ماه همان سال انتخابات مجلس شورای اسلامی برگزار شد و حزب جمهوری اسلامی و نیروهای طرفدار امام و انقلاب اسلامی، توانستند اکثریت قاطع کرسی های مجلس را به دست آورند. در نتیجه، مواضع اصلی قدرت، میان این دو گروه تقسیم شد و رقابت آشکار آنها، در جریان انتخاب نخست وزیر

۱. ن. ک: رضوی، همان، صص ۱۹۹-۲۰۰.

و اعضای کابینه، به مرحله‌ای دشوار و همراه با کشمکش رسید.^۱ ریشه اصلی اختلاف‌ها، همان مسائلی بود که نیروهای اصولگرا و انقلابی با لیبرال‌ها داشتند. بنابراین، رفته رفته جریان‌های سیاسی به دو جناح کلی تقسیم شدند: نیروهای انقلابی و مدافع اسلام و نیروهای مخالف این جریان شامل لیبرال‌ها و نیروهای چپ. گروه دوم به تدریج با حمایت بنی‌صدر شروع به فعالیت و جوسازی و اخلال کردند. در این میان، رسانه‌های تبلیغی غربی نیز، با ایجاد جو تبلیغاتی مسموم، به حمایت از بنی‌صدر و طرفدارانش پرداختند.^۲

برگی از تاریخ

شهید محمدعلی رجایی (۱۳۱۲-۱۳۶۰ ش)



محمدعلی رجایی در سال ۱۳۱۲ در قزوین متولد شد. پس از اخذ مدرک ششم ابتدایی، به کار در بازار پرداخت و در چهارده سالگی به تهران مهاجرت کرد. پس از مدتی به استخدام نیروی هوایی درآمد. در دوران نهضت ملی نفت، جذب شعارهای فداییان اسلام شد و سپس به «جامعه تعلیمات اسلامی» پیوست. پس از کودتای ۲۸ مرداد از نیروی هوایی اخراج شد. سپس به دانش‌سرای عالی راه یافت و موفق به دریافت مدرک لیسانس شد و به کسوت معلمی درآمد. در اردیبهشت ۱۳۴۵ بازداشت و بعد از پنجاه روز از زندان آزاد شد. در آذرماه ۱۳۵۳ مجدداً دستگیر شد و تا آبان ۱۳۵۷ در زندان به سر برد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، وزیر آموزش و پرورش، نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور شد. سرانجام در هشتم شهریور ۱۳۶۰ در بمب‌گذاری ساختمان نخست‌وزیری که توسط یکی از افراد سازمان مجاهدین خلق (منافقین) انجام شده بود، به شهادت رسید.

انتخاب نخست‌وزیر و اوج‌گیری اختلاف‌ها

نخستین مرحله اختلاف بین دو جریان مورد اشاره، در انتخاب نخست‌وزیر شدت گرفت. طبق قانون اساسی (اولیه و قبل از بازنگری)، رئیس‌جمهور بایستی فردی را جهت تصدی سمت نخست‌وزیری به مجلس شورای اسلامی معرفی کند و پس از رأی اعتماد نمایندگان مجلس، منصب او رسمیت و اعتبار می‌یافت. بنی‌صدر و گروهک‌های پشتیبان او برای تحمیل کردن فرد موردنظر خود

۱. ن. ک: محمدی، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، ص ۱۶۷.

۲. ن. ک: مهاجری، همان، صص ۲۳۵-۲۴۰؛ محمدی، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، صص ۱۷۱ و ۱۷۲.

به مجلس، اقدام به هياهو و جوسازی گسترده کردند، اما به دلیل ایستادگی نمایندگان مجلس، سرانجام رئیس جمهور مجبور شد، محمدعلی رجایی را که مورد اعتماد مجلس بود معرفی کند و با رأی قاطع نمایندگان، رجایی نخست‌وزیر شد.

انقلاب فرهنگی

در این دوره بحران زده، دانشگاه‌ها محلّ مجادلات و درگیری‌های سیاسی شده بود زیرا گروه‌های سیاسی، کلاس‌های درس دانشگاه‌ها و حتی برخی از دبیرستان‌های بزرگ را به دفترهای گروهی خود تبدیل کرده بودند. ضمن نگهداری اسلحه و وسایل و تجهیزات نظامی در آنها، تشنج آفرینی‌های خیابانی و آشوب را در اقصا نقاط کشور هدایت می‌کردند.^۱ به همین دلیل در اردیبهشت سال ۱۳۵۹، شورای انقلاب، به پیشنهاد دانشجویان مسلمان، دانشگاه‌ها را موقتاً تعطیل کرد تا به مدیریت آنها نظم و سازماندهی بدهد. در تاریخ انقلاب، پاک‌سازی گروه‌های مُعاند که در مراکز دانشگاهی نفوذ کرده بودند و همچنین ایجاد تحوّل در درس‌های آموزش عالی، با عنوان «انقلاب فرهنگی» شناخته می‌شود.^۲

برکناری بنی‌صدر

در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، توطئه‌ای سنگین تراز اختلاف‌های داخلی، یعنی جنگ تحمیلی، با حمله عراق به ایران آغاز شد. این کشمکش‌ها، بر روحیه رزمندگان اسلام در جبهه‌ها تأثیری مخرب نهاده بود. بنی‌صدر که فرماندهی کلّ قوا را نیز بر عهده داشت، سبب بسیاری از ناهماهنگی‌ها در جنگ بود، که در درس آینده، با آنها بیشتر آشنا خواهید شد.

وقتی اختلاف‌ها به مرحله‌ای رسید که امکانی برای اصلاح باقی نماند، و اساس اسلام و انقلاب در خطر قرار گرفت، امام در بیستم خرداد ۱۳۶۰، طی حکمی، بنی‌صدر را از فرماندهی کلّ قوا عزل کرد. به دلیل کج‌رویی و احساس مسئولیت نکردن بنی‌صدر در شرایط حسّاس و خطیر کشور، مجلس شورای اسلامی، مطابق قانون اساسی^۳، با اکثریت آرا به عدم صلاحیت بنی‌صدر برای ادامه مسئولیت ریاست جمهوری رأی داد.^۴ این رأی به تأیید امام نیز رسید و با پشتیبانی قاطبه مردم ایران روبه‌رو

۱. مهاجری، همان، ص ۱۹۴.

۲. ن. ک: انقلاب اسلامی و زمینه‌ها و پیامدها، ص ۱۸۳.

۳. به موجب بند ۵ اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رهبر پس از رأی مجلس به عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور و یا پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف رئیس جمهور از وظایف قانونی، او را از سمت ریاست جمهوری عزل می‌کند.

۴. مهاجری، همان، ص ۲۳۹.

شد. پس از این رویداد تاریخی، مردم همان گونه که هنگام فرار شاه از ایران شادمان بودند، به خیابان‌ها ریختند و ابراز شادی کردند.^۱

ترور شخصیت‌های طراز اول کشور

ترور رهبران نهضت‌های ضد استعماری و استقلال طلبانه، در تاریخ معاصر جهان سابقه‌ای طولانی دارد و یکی از شناخته شده‌ترین شیوه‌های خشونت آمیز برای مهار انقلاب‌ها به‌شمار می‌رود. این شیوه زمانی به کار می‌رود که راه‌های دیگر برای به‌سازش کشیدن رهبران انقلاب اثربخش نباشند. در انقلاب اسلامی ایران، «ترور شخصیت»، از همان روزهای اول شکل گرفت.

ترور فیزیکی در فاصله کوتاهی از عمر انقلاب آغاز شد و دو مرحله داشت. مرحله اول آن از ابتدای سال ۱۳۵۸ آغاز شد: در سوم اردیبهشت ماه ۱۳۵۸، تیمسار قرنی، اولین رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران را به شهادت رساندند. در شامگاه یازدهم اردیبهشت ماه همان سال، رئیس شورای انقلاب، علامه شهید، آیت‌الله مرتضی مطهری، که پس از امام، دارای بالاترین موقعیت دینی، سیاسی و فرهنگی کشور بود و از نظر علمی نیز موقعیت بسیار ممتازی در میان علمای زمان خویش داشت و از نظریه پردازان بسیار ارزشمند انقلاب اسلامی به‌شمار



شهید دکتر محمد مفتاح

می‌رفت، به شهادت رسید. استاد مطهری از معماران و استوانه‌های فکری و فرهنگی انقلاب اسلامی بود که منشأ خدمات ارزشمندی برای اسلام و ایران شد. در چهارم شهریور همین سال، حاج مهدی عراقی، یکی از چهره‌های شاخص انقلابی، و فرزندش به شهادت رسیدند. مدتی بعد، آیت‌الله قاضی طباطبایی در تبریز، و در آذرماه، دکتر محمد مفتاح، استاد دانشگاه الهیات تهران و یکی از علمای برجسته انقلابی، به شهادت رسیدند. این ترورها عمدتاً توسط گروهک چپ التقاطی «فرقان» انجام می‌گرفت.^۲ با دستگیری اعضای اصلی فرقان در دی ماه ۱۳۵۸، این مرحله از ترورها خاتمه یافت.

۱. ن. ک: محمدی، همان، صص ۱۸۹-۱۹۲.

۲. مهاجری، همان، ص ۲۲۴.

استاد شهید آیت‌الله مرتضی مطهری (۱۲۹۸-۱۳۵۸ ش)



مرتضی مطهری در سال ۱۲۹۸ در فرمان خراسان چشم به جهان گشود. مقدمات علوم اسلامی را در شهر مشهد گذراند. در سال ۱۳۱۶ برای ادامه تحصیل به قم رفت و مراتب عالی علوم حوزوی را نزد استادانی چون: آیت‌الله العظمی بروجردی، امام خمینی و علامه محمد حسین طباطبایی، طی کرد.

استاد مطهری با آغاز به تدریس در دانشگاه، نقشی عمده در نزدیک کردن اندیشه‌های حوزوی و دانشگاهی ایفا کرد. وی بیست و دو سال استاد دانشکده الهیات دانشگاه تهران بود.

آیت‌الله مطهری یکی از نظریه‌پردازان اصلی انقلاب اسلامی به‌شمار می‌رفت. وی در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، به همراه گروه زیادی از روحانیون، دستگیر و زندانی شد.

در سال ۱۳۵۶، رژیم پهلوی او را ممنوع المنبر کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی، آیت‌الله مطهری یکی از اعضای اصلی شورای انقلاب شد. آثار استاد جزو منابع برطرفدار در شناخت اسلام و مبانی آن در ایران و سایر کشورهای اسلامی است.

آیت‌الله مطهری در اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۸، به وسیله گروهبان «فرقان» ترور شد و به شهادت رسید.

مرحله دوم ترور، ابعادی وسیع‌تر داشت. بسیاری از ترورها، توسط سازمان مجاهدین خلق انجام گرفت و در فاصله‌ای کوتاه، عده‌ای قابل توجه از برجسته‌ترین مسئولان و شخصیت‌های مملکتی به شهادت رسیدند. این حرکت که به نوعی به کودتا شباهت داشت، پس از عزل بنی‌صدر از ریاست جمهوری آغاز شد. واضح بود که دشمنان داخلی و خارجی انقلاب اسلامی، در اثر از دست دادن تکیه‌گاه اصلی خود (بنی‌صدر)، این شیوه خشونت‌آمیز را در پیش گرفته بودند.^۱ اولین ترور، در ششم تیرماه ۱۳۶۰، یعنی شش روز پس از عزل بنی‌صدر، متوجه آیت‌الله سید علی خامنه‌ای شد و او را به شدت مجروح ساخت. روز بعد از این حادثه یعنی در هفتم تیرماه بر اثر انفجار بمب در محل دفتر حزب جمهوری اسلامی، بیش از هفتاد نفر از نمایندگان مجلس، وزیران و دولتمردان انقلابی که نقشی

۱. مهاجری، همان، صص ۲۴۰-۲۴۲.

برجسته در تدوین قانون اساسی و هدایت انقلاب در مسیر اصلی خویش ایفا کرده بودند، به شهادت رسیدند. دکتر بهشتی، رئیس دیوان عالی کشور، در رأس این گروه قرار داشت.

این اقدام به تنهایی می‌توانست نظام اسلامی را به سقوط بکشاند. در تاریخ ترورهای جهان معاصر، چنین واقعه‌ای کم‌نظیر است، اما قدرت رهبری امام و نقش برجسته مردم، دو عامل اصلی حفظ نظام در گرداب این حادثه سهمناک بودند. بی‌تردید برای مردم ایران، تحمل چنین حادثه سهمگینی جز در سایه برخورداری از فرهنگ اسلامی و تاسی به سرور شهیدان، امام حسین (ع) که روز عاشورا ۷۲ تن از یارانش شربت شهادت نوشیدند، امکان‌پذیر نبود. از آن پس، در پی هر ترور، تروری دیگر انجام می‌شد و یاران انقلاب، یکی پس از دیگری به شهادت می‌رسیدند. با وجود این، مردم و مسئولان حکومت با صبر و استواری و شجاعت، حضور خود را در صحنه ادامه دادند. به دنبال بمب‌گذاری سازمان مجاهدین خلق در محل تشکیل هیئت دولت در هشتم شهریور ۱۳۶۰، آقایان رجایی و دکتر باهنر، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر، به شهادت رسیدند.

برگی از تاریخ

شهید دکتر محمد جواد باهنر (۱۳۱۲-۱۳۶۰ ش)



محمدجواد باهنر، در سال ۱۳۱۲، در کرمان متولد شد. تحصیلات مقدماتی را نزد مرحوم مجاهدی و سلطانی و درس‌های خارج فقه و اصول را در محضر آیت‌الله بروجردی و امام خمینی گذرانید. مدت شش سال نیز فلسفه را در محضر آیت‌الله طباطبایی فراگرفت. سپس فوق لیسانس علوم تربیتی و دکترای الهیات را از دانشگاه تهران گرفت. در اواخر سال ۴۲ دستگیر و مدت چهار ماه در زندان به سر برد. در سال ۱۳۴۳ به دفتر تألیف کتب درسی وزارت آموزش و پرورش راه یافت و به تألیف کتب درسی دینی پرداخت، اما پس از مدتی برکنار شد. پس از پیروزی انقلاب، از جمله بنیان‌گذاران حزب جمهوری اسلامی بود. مدتی وزیر آموزش و پرورش و سپس نخست‌وزیر شد و سرانجام در هشتم شهریور ۱۳۶۰ در بمب‌گذاری ساختمان نخست‌وزیری به شهادت رسید.

پس از این حادثه، سران ضد انقلاب در خارج از کشور اظهار امیدواری کردند که به زودی بتوانند به ایران برگردند و حکومت دلخواه خود را بر سر کار آورند. بنی صدر طی پیامی از ارتشیان



شهید آیت الله دستغیب

خواست تا به افسران فراری خارج از کشور بپیوندند. اما این قتل‌های ناجوانمردانه، مردم را در عزم خویش استوارتر می‌ساخت. ترورهای پی‌درپی منافقین، تنها شخصیت‌های بلندپایه کشور را دربر نمی‌گرفت، آنها فقط در عرض یک ماه، ۳۷۰ نفر زن، مرد و حتی کودک را آماج حملات خود قرار دادند. برای ایجاد رعب و وحشت، بسیاری از ترورها مقابل چشمان سایر اعضای خانواده انجام می‌شد. تروریست‌ها حتی در مساجد و کانون‌های دینی و مصلاهای نماز جمعه، به انفجار بمب و ترور ائمه جمعه و جماعات اقدام می‌کردند. شهدای محراب، آیت‌الله سیدعبدالحسین دستغیب در شیراز، آیت‌الله مدنی در تبریز، آیت‌الله صدوقی در یزد، آیت‌الله اشرفی اصفهانی در کرمانشاه و حجت‌الاسلام هاشمی‌نژاد، دانشمند و روحانی مؤثر مشهد، از این جمله بودند. ترور این دانشمندان و حتی عالمانی از روحانیان اهل سنت، نشانگر این بود که دشمنان انقلاب بیش از هر چیز، از اندیشه متفکران اسلامی بیمناک‌اند.

بیشتر بدانید

درباره برداشت دوگانه زمامداران کاخ سفید از تروریسم خانم فلور الوئیز، نویسنده آمریکایی، درباره مفهوم تروریسم از نظر زمامداران کاخ سفید در سال ۱۹۸۶ م. چنین می‌نویسد: «برداشت ما از مفهوم تروریسم این است که اگر کسی در برابر ادعاهای ما قد بلند کند، تروریست بالفطره است و چنین آدمی وقتی مورد حمله ما قرار گیرد، باید به حقانیت این حمله، بسان یک کیفر آسمانی اذعان کند. حمله ما به چنین فردی، شامل قوانین مربوط به جنگ نمی‌شود. زیرا این کار ما جنگ نیست، بلکه نوعی «جهاد مقدس صلیبی» است. بنابراین به عقیده [زمامداران] آمریکا، تروریست کسی است که در مقابل حمله ما از خود دفاع کند.»^۱

در یک جمع‌بندی کلی، دشمنان انقلاب با حمایت آمریکا برای به سقوط کشاندن انقلاب اسلامی، به اقدام‌های زیر دست زدند:

۱. تقویت و تشویق گروهک‌های ضد انقلاب که جو سیاسی-اجتماعی کشور را کاملاً آشفته و

بحرانی ساخته بودند.

۲. به وجود آوردن آشوب‌های استانی در قالب حرکت‌های قومی؛ سران آشوب‌ها با گروهک‌ها

۱. روزنامه «نیویورک تایمز»، ۳۲ فوریه ۱۹۸۶.

به یکدیگر مرتبط بودند و آشوب سراسری را همچون زنجیره‌ای به هم وصل می‌کردند.

۳. ایجاد اختلاف در ارکان اصلی نظام.

۴. ترور شخصیت‌های برجسته انقلاب؛ گستره این توطئه بسیار وسیع بود و مردم بی‌بوسته نظاره‌گر

شهادت افراد صاحب‌نام انقلاب بودند.

۵. جوسازی و ایجاد جنگ روانی، و ایجاد رعب و وحشت بین مردم همراه با تبلیغ‌های وسیع

از شبکه‌های سراسری خبری و مطبوعاتی.

۶. حمله نظامی آمریکا به ایران؛ زمامداران آمریکا پس از تسخیر سفارت این کشور در تهران،

برای رهایی از این بحران و نمایش اقتدار خود، تصمیم گرفتند به بهانه نجات گروگان‌ها به عملیات

تلافی جویانه‌ای دست بزنند. این عملیات که با ۹۰ کماندو از میان نیروهای مختلف آمریکایی، با هشت

چرخ بال نیروی دریایی و شش هواپیما انجام شد، از ماه‌ها پیش طراحی شده بود و پس از آزمایش‌های

طولانی به اجرا درآمد.

بیشتر بدانید

برژینسکی که از طراحان اصلی تجاوز به طیس بود، در کتاب خود می‌نویسد: «از همان آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، به عملیات نظامی علیه ایران می‌اندیشیدم ... در جریان روزهای قبل از آغاز عملیات، ما سعی کردیم با اقداماتی در جهت آغاز مذاکرات تازه با ایرانی‌ها، آنها را اغفال کنیم ... طبق پیشنهاد من، عملیات با تدارک عملیات تلافی جویانه‌ای هم همراه بود...»^۱

طبق محاسبات نظامی آمریکا، عملیات با دقت فراوان محاسبه شده بود. حتی براساس پیش‌بینی‌های

علمی اداره هواشناسی آمریکا، در شب عملیات، هوای کویر ایران مهتابی بود.^۲ مهاجمان وارد حریم هوایی

ایران شدند و در کویر «طیس» در تاریکی شب فرود آمدند و طبق برنامه از پیش تعیین شده، چرخ‌بال‌ها

و هواپیماها برای اجرای مرحله بعدی عملیات اقدام به سوخت‌گیری کردند. یکی از چرخ‌بال‌ها دچار

نقص فنی شد. فرمانده عملیات تصمیم گرفت وضعیت را به کاخ سفید گزارش دهد. اما برای هرگونه

تصمیم دیگر، زمان کافی نداشت، زیرا توفان شن آغاز شده و آنها را دچار حیرت کرده بود. در اثر

برخورد یک هواپیما با یک چرخ‌بال، هردو منهدم شدند و هشت تن از متجاوزان در آتش سوختند و

سایرین فوراً منطقه را ترک کردند. تنها لطف الهی و امداد غیبی بود که توانست ایران را از تهاجم و

۱. برژینسکی، توطئه در ایران، ص ۱۹۶.

۲. روزها و رویدادها، ج ۱، ص ۲۵۴.



توطئه‌ای حتمی نجات دهد.^۱

۷. طراحی کودتا؛ پس از ناکامی در حمله نظامی به ایران، دشمنان انقلاب تصمیم به اجرای کودتا گرفتند تا از طریق اشغال و یا بمباران مراکز مهم کشور، از جمله قم، تهران و اقامتگاه امام، تکلیف انقلاب را یکسره کنند. عاملان این کودتا که به «کودتای نُوزه» معروف است، بنا بود در بیستم تیرماه ۱۳۵۹ از پایگاه هوایی شهید نُوزه همدان، عملیات خود را آغاز کنند و با ساقط کردن نظام، حکومتی به اصطلاح سوسیال-دمکرات را در ایران برقرار سازند. کودتاجیان برنامه‌های خود را با سازمان «سیا» نیز هماهنگ ساخته بودند و به آنان در مورد حفظ بنی صدر نیز توصیه شده بود. ولی این کودتا نیز با نفوذ نیروهای مؤمن و وطن‌خواه انقلاب در درون کودتاجیان، هوشیاری نظام نوپای انقلابی و از همه بالاتر لطف الهی، شکست خورد و کودتاجیان دستگیر شدند و به سزای خود رسیدند.

۸. مخالفت با دستیابی ایران به فتاوری هسته‌ای صلح‌آمیز؛ یکی از دسیسه‌های آمریکا و برخی کشورهای استعماری بر ضد انقلاب اسلامی، تلاش برای جلوگیری از دست یافتن ایران به دانش هسته‌ای صلح‌آمیز در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی بوده است.^۲ این کشورها می‌خواهند دانش ارزشمند هسته‌ای در انحصار کامل خودشان باشد و دیگر کشورها به آن دسترسی نداشته باشند. به همین دلیل، با وجود عضویت ایران در معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان. پی. تی) و نظارت

۱. برای اطلاع بیشتر ن. ک: جردن، بحران، صص ۳۱۷-۳۵۲؛ استمیل، همان، صص ۳۳۹ و ۳۴۰.

۲. انصراف کشورهای آلمان و ژاپن از اجرای قرارداد ساخت نیروگاه اتمی بوشهر در همین جهت بوده است.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران، آمریکا و هم‌پیمانانش برای توقف و تعطیلی برنامه‌های هسته‌ای صلح‌آمیز ایران کوشش کرده‌اند. این در حالی است که آمریکا چند هزار بمب اتمی در اختیار دارد و در اواخر جنگ جهانی دوم با بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی، هزاران انسان بی‌گناه را به کام مرگ کشاند.

پرسش‌های نمونه

۱. در دوره ریاست جمهوری بنی‌صدر، بین جریان اصولگرا (انقلابی و حزب‌الله) و جریان لیبرال و چپ، چه اختلاف‌هایی بروز کرد؟
۲. سه مورد از مهم‌ترین اقدامات تروریستی سازمان مجاهدین خلق را در سال ۱۳۶۰ بنویسید.
۳. انقلاب فرهنگی در چه شرایطی و با چه هدفی انجام شد؟
۴. بنی‌صدر چرا و چگونه از ریاست جمهوری عزل شد؟
۵. علت مخالفت دولت آمریکا و برخی کشورهای استعماری با برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران چیست؟

اندیشه و جست و جو

– در مورد آزادی‌گروگان‌های آمریکایی مطلبی تهیه کنید.